Bi-quarterly Journal of Islamic Economics Studies, Research Article,
Vol.14, No.1 (Serial 27), Autumn & Winter 2021-2022

The role of religious beliefs in obtaining interbank religions Case study of Kermanshah province

Ghazalr Ghalvazy[*]
Saeed Farahani Fard[**]

Received: 14/11/2020
Accepted: 25/04/2021

Abstract

Undoubtedly, the economic behavior of individuals, like their other behavior, is influenced by their religious beliefs. Banking activities, whether depositing or applying for facilities Niza Zain is no exception to the general rule. Despite the implementation of the law on interest-free banking in Iran, there are doubts about the Islamic activities of banks among religious people, which makes them unlucky To the bank and deposit their funds in banks and also receive facilities from them. According to the banking statistics published by the Central Bank in September 2018 in obtaining bank loans and the population statistics of the Statistics Center of Iran, it has been determined that the per capita use of bank loans in Iran in provinces that most of their population is Sunni is very small. In this study, based on the demographic data of 1390, a sample of the cities of Kermanshah province was examined and screened according to the mixed Shia and Sunni context using the Cochran sampling method and a questionnaire was distributed among them. Due to the normality of the research data, t-statistic was used to examine significance of the difference between the two groups and Pearson correlation coefficient. In this questionnaire, among different loans, three types of them including Qarz al-Hasna and its fees, Ja'ala and Murabaha and their gains and the penalty for late payment of these loans were examined. The results show that the value of t-statistic for the two groups is -2.45 and has a probability value of less than 0.05 and the null hypothesis that the mean of the two groups is equal is rejected; In other words, the difference in obtaining facilities between the two groups is statistically significant. Also, Pearson correlation coefficient between religious belief and Qarz al-Hasna facility is equal to 0.312, while the correlation coefficient between Ja'ala and Murabaha facility and religious belief is relatively higher and equal to 0.87 and 0.785, respectively. The results show that in Sunni areas in Kermanshah province, the use of banking loans is less than in Shia areas.

Keywords: Riba, Borrow Usury, Privacies of Usury, Islamic Banking.
JEL Classification: E4, E5, Q40, F30.

---

[*] PhD Student in Islamic Economics, Faculty of Management, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author) ghalvazy911@gmail.com
Professor of Economics, Faculty of Management, Qom University, Qom, Iran Sfarahani fard@qom.ac.ir

دو فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره اول (پیاپی۲۷)، پاییز و زمستان ۱٤۰۰، صص.۲۸۳-۳۰۷

نقش اعتقادات مذهبی در اخذ تسهیلات بانکی بین مذاهب
مطالعه موردی استان کرمانشاه

غزاله قلوزی *
سعید فراهانی فرد **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲
مقاله برای اصلاح به مدت ۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده
بدون تردید رفتار اقتصادی افراد مانند سایر رفتار آن‌ها متأثر از باورهای مذهبی آن‌هاست. فعالیت‌های بانکی اعم از سپرده‌گذاری و یا مراجعه برای دریافت تسهیلات نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. به‌رغم اجرای قانون بانکداری بدون ربا در ایران، شبهاتی نسبت به اسلامی بودن فعالیت‌های بانک‌ها در بین متدینین وجود دارد که موجب عدم اقبال آن‌ها در مراجعه به بانک و سپردن وجوه خود در بانک‌ها و نیز دریافت تسهیلات از آن‌ها شده است. این مسئله در بین استان‌های با بافت اهل سنت بیشتر به چشم می‌خورد. در این پژوهش بر اساس داده‌های جمعیتی سال ۱۳۹۰ به بررسی و غربال نمونه‌ای از شهرستان‌های استان کرمانشاه با توجه به بافت مختلط شیعه و اهل سنت با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران پرداخته شده و پرسشنامه‌ای میان آنان توزیع گردید از میان تسهیلات مختلف، سه نوع از تسهیلات شامل قرض‌الحسنه و کارمزد آن، جعاله و مرابحه و سود آن‌ها و همچنین جریمه دیرکرد این تسهیلات مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد تفاوت در اخذ تسهیلات بین دو گروه از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین اعتقاد مذهبی و تسهیلات قرض‌الحسنه برابر با ۰/۳۱۲ است، درحالی‌که ضریب همبستگی بین تسهیلات جعاله و مرابحه و اعتقاد مذهبی به نسبت بالاتر و به‌ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۷۸۵ است. در مجموع نتایج تحقیق حاکی از آن است که در مناطق سنی‌نشین در استان کرمانشاه میزان استفاده از تسهیلات بانکی کمتر از مناطق شیعه‌نشین می‌باشد.

واژگان کلیدی: تسهیلات بانکی، اعتقادات مذهبی، قرض‌الحسنه، جعاله، مرابحه، جریمه دیرکرد.
طبقه‌بندی JEL: E4، E5، Q40، F30.

* دانشجوی دکتری اقتصاد اسلامی، دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
ghalvazy911@gmail.com
** استاد گروه اقتصاد دانشکده مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران Sfarahani fard@qom.ac.ir

مقدمه

انسان‌ها از دیرباز برای جلوگیری از هرگونه نزاع و اختلاف در امور اجتماعی و به‌خصوص در فعالیت‌های اقتصادی، به انعقاد قرارداد پرداخته‌اند. قرارداد یا عقد، تعهدی است بین دو نفر که در آن به توافق رسیده‌اند (کرمی و پورمند، ۱۳۹۸، ص. ۸۸). در شریعت اسلام، بسیاری از این قراردادها تأیید یا تصحیح شده و پایبندی به آن‌ها لازم شمرده شده است و در فقه اسلامی قراردادهای مشروع و قانونی بررسی شده است. بانکداری بدون ربا یکی از رو به رشدترین بخش‌های صنعت بانکداری است. که قدمتی در حدود ۷۰ سال دارد و در اکثر کشورهای اسلامی و میان افرادی که از بهره گریزانند، جایگاه خاصی پیدا نموده است. هم‌اکنون ٤۷۵ مؤسسه مالی اسلامی در ۷۵ کشور جهان در حال فعالیت هستند که خود حاکی از میزان توسعه و گسترش صنعت بانکداری بدون ربا در جهان است. (کرمی و پورمند، ۱۳۹۸، ص. ۸۸)

محمد عبده از علمای اهل سنت، نخستین اثر را در ارتباط با این‌که می‌توان اقدام به ایجاد بانک بدون ربا که معاملات آن بر اساس شرع و موازین اسلامی باشد، تولید کرد. عبده ایده‌های اولیه را مطرح کرد ولی موفق به طراحی الگو و مدل بانکداری اسلامی نشد و به همین دلیل شاگردان او به‌ویژه رشیدرضا و دیگر علمای دینی وارد کار شدند. حدود ٦۰ سال پیش هم در میان علمای شیعه شهید آیت‌الله صدر بانک بدون ربا را طراحی و نجات‌الله صدیق از علمای اهل سنت هم مدل عملیاتی از بانک بدون بهره را ارائه کرد (نجفی، ۱۳۷۱، ص. ۲۳)

در ایران با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳٦۲، نظام بانکی بر اساس عقود اسلامی مصوب شد. این قانون که برای اجرای دوره آزمایشی ۵ ساله تصویب شده بود، نزدیک به ٤۰ سال مورد بازبینی کلی قرار نگرفته است و در کنار آن، بانک‌ها به‌علت عدم آموزش کافی در اجرای دقیق قانون و به‌منظور پوشش ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی با تصویب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی در عمل شبهاتی را نسبت به اجرای شریعت در مورد حذف ربا از فعالیت‌های بانکی ایجاد کرده است و سبب شده است همواره بخشی از مردم به بانک اقبال نداشته باشند؛ این مسئله در بین شهرهای سنی‌نشین بیشتر به‌چشم می‌خورد.

امروزه شواهد حکایت از آن دارد که در مناطق اهل سنت‌نشین میان دریافت تسهیلات بانکی و اعتقادات رابطه مستقیمی وجود دارد؛ و در برخی از مناطق سنی‌نشین شاهد دریافت بسیار اندکی از تسهیلات بانکی هستیم که دلیل آن را می‌توان مغایرت این فعالیت‌ها با فتاوای مراجع آن‌ها و در تقابل بودن عملکرد نظام بانکی با اعتقاداتشان دانست (موسویان، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۱). البته در بین فقیهان امامیه و مقلّدان آن‌ها نیز همواره اشکالاتی بر اجرای صحیح بانکداری اسلامی وجود داشته و اعتراض‌هایی را به‌دنبال داشته است.

در بخش تسهیلات بانکی عمده این اشکالات در گرفتن کارمزد در قرض‌الحسنه و سود بانکی در سایر تسهیلات و نیز جریمه دیرکرد در این عقود می‌باشد. در این مقاله پس از بررسی مبانی نظری تسهیلات بانکی در فقه امامیه و اهل سنت در صدد یافتن علت عدم اقبال مشتریان بانکی به تسهیلات قرض‌الحسنه، جعاله و مرابحه هستیم. این بررسی به‌صورت تطبیقی و مقایسه‌ای و به روش پرسشنامه‌ای و با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران انجام شده است. محورهای اصلی مورد بررسی در این مقاله تسهیلات قرض‌الحسنه و کارمزد آن، جعاله و مرابحه و سود آن‌ها، و نیز جرائم تأخیر پرداخت این تسهیلات است.

۱. پیشینه پژوهش

موسویان (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان اشتراکات شیعه و اهل سنت در زمینه سپرده‌های بانکی و اعطای تسهیلات و این‌که چرا کارمزد حذف نمی‌شود، به بررسی افتتاح شعباتی از بانک انصار در شهرستان‌های اهل سنت‌نشین، که از اهل سنت کارمزد دریافت نمی‌کنند پرداخته است و گفته است این مسئله موجب گرایش بیشتر اهل سنت به نظام بانکی شده است. وی تصریح می‌کنند که اگر بنا باشد عدم دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه را به همه کشور توسعه دهیم، بخش قرض‌الحسنه بانک با مشکل جدی مواجه خواهد شد و بانک نمی‌تواند هزینه‌های خود را تأمین کند.

کوهستانی (۱۳۹۶)، در کتابی تحت عنوان نظام بانکداری به بررسی نظام بانکداری مدنظر اسلام و احکام و حیل شرعی و مسائل فقهی آن از دیدگاه سه مذهب فقهی حنبلی، شافعی و مالکی پرداخته است و بحث سازمان‌های مراقبت شرعی را بیان

نمودند، نتایج حاکی از آن است که بانک اسلامی مانند بانک تقلیدی (ربوی) بوده و میزان فرق آن‌ها با یکدیگر وجود مراقبت و نظارت شرعی آن‌هم با مرور سطحی توسط برخی علما است. در پایان پیشنهاد می‌کند که در این زمینه به فتاوای اقتصادی و فقه مالی و پولی بیشتر از گذشته جدیت نشان داده شود.

طغیانی و صادق‌پور (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی فقهی کارمزد بر تسهیلات قرض‌الحسنه با استفاده از روش تحلیلی جایگاه قرض‌الحسنه را در آیات و روایات و از منظر فقهی بررسی کرده است و با تقسیم‌بندی فقیهان شیعه به دو گروه موافق و مخالف، اخذ کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه، استدلال فقهی جدیدی را برای جواز اخذ کارمزد ارائه کرده است و سپس برای احیاء سنت قرض‌الحسنه در اقتصاد ایران مدل جدیدی را پیشنهاد داده است.

قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹٤)، در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل مؤثر بر عملکرد بانک‌ها با رویکرد مذهبی با روش همبستگی رگرسیون خطی چندگانه به بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد شعب بانک سینا با رویکرد فرهنگی مذهبی پرداخته است نتایج حاکی از آن است که تأثیر نرخ سود سپرده در جذب سپرده در بین شعب دارای مشتری شیعه بیش از شعب با مشتریان اهل سنت است. و همچنین میزان دارایی‌های شعب در شعب شیعه عاملی مؤثر در جذب سپرده می‌باشد. لکن در شعب سنی فاقد تأثیر می‌باشد و در شعب سنی با کاهش نرخ سود سپرده‌ها نرخ بازیافت وام افزایش می‌یابد و دریافت‌کنندگان تسهیلات نسبت به بازپرداخت تسهیلات اقدام می‌کنند لکن در شعب شیعه رابطه فوق به‌طور معکوس مشاهده می‌شود.

گنجوی و نایب‌زاده (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد به بررسی نقش و جایگاه اعتقادات مذهبی در زندگی افراد پرداخته و ضرورت و اهمیت سواد مالی بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با روش پرسش‌نامه و پیمایشی داده‌ها را جمع‌آوری کرده و نتایج حاکی از آن است که به‌دلیل ارائه اطلاعات مفید در حوزهٔ دین‌گرایی و اقتصاد اسلامی افزایش سطح سواد و دانش مالی دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی، نه‌تنها در بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی شخصی افراد مؤثر

است بلکه در سطح کلان نیز موجب ارتقا و پیشرفت اقتصادی کشور نیز می‌شود و نتایج آن می‌تواند برای محققان و سیاست‌گذاران کاربرد داشته باشد.

جواهری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان سود و بانکداری به بیان تفاوت اصلی بین بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف، در تسهیم سود و زیان بین صاحبان سرمایه و بانک پرداخته است و به بیان ویژگی‌ها و چالش‌های آن در ابعاد سازمانی و عملیاتی پرداخته است و در نتایج حاصله دیدگاه‌ها و راهکارهای کارشناسان اقتصادی و فقهای شیعه و سنی را بیان نموده است.

ارشاد (۲۰۱٤)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر پذیرش بانکداری اسلامی: مطالعه موردی در پاکستان» نشان دادند که با وجود بانک‌های غیراسلامی در پاکستان و فعالیت بانک‌های اسلامی در کنار آن‌ها تنها دلیل سپرده‌گذاری مردم در نزد بانک‌های اسلامی «عامل دین» می‌باشد.

ابدو (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تغییر رفتار مشتریان بانک‌های اسلامی مالزی» نشان دادند، مذهب و دین مشتریان از عوامل مؤثر در تغییر و انتخاب بانک می‌باشند و افراد بانک‌های منطبق با شریعت خود انتخاب می‌نمایند.

۲. مبانی نظری

تحقیقات نشان می‌دهد که دین از طریق تأثیر بر رفتارهای عاملان اقتصادی بر متغیرهای مهم اقتصاد تأثیر می‌گذارد. دین از دو طریق می‌تواند اقتصاد را تحت‌تأثیر قرار دهد اول این‌که دینداران باورهای خاصی داشته و هنجارهای مشخصی را رعایت می‌کنند و این موضوع به بروز رفتارهای اجتناعی مشخصی همسو با مشارکت اجتماعی می‌انجامد (پورفرج و همکاران، ۱۳۹۳). تأثیرگذاری باورهای دینی در سطح کلان خود را در مبانی فکری مکاتب اقتصادی نشان داده است به‌طور مثال اعتقاد به دئیسم و نفی ربوبیت خداوند، مکتب فیزیوکرات را توسط کنه و به‌دنبال آن مکتب کلاسیک را توسط اسمیت ایجاد کرده که اقتصاد را مانند جهان طبیعی بر اساس نظم طبیعی طراحی کرده‌اند. همچنین مکاتب سوسیالیستی که با نفی مبدأ و معاد و با تفکر ماتریالیستی مکاتب اقتصادی خود را تبیین کرده‌اند. همچنین در سطح خرد رفتارهای اقتصادی افراد دین‌مدار با منکران مبدأ و معاد متفاوت است. گرچه برخی دیدگاه‌های مذهبی بر اساس نگاه

سکولار جامعیت کلان دین را نفی می‌کنند اما تا حد زیادی رفتار فردی دینداران را متأثر از باورهای دینی آن‌ها دانسته و اصولاً رسالت ادیان را در جهت دادن رفتارهای فردی افراد می‌دانند (فراهانی فرد، ۱۳۸۹). شهید مطهری (۱۳۸۰) به گستردگی قلمروی دین معتقد است و می‌گوید صلاح و فساد در همه شئون زندگی با یکدیگر مرتبط است. سید جمال نیز دین را از طریق تقویت اعتماد مردم و ایجاد خصلت‌های اخلاقی در آن‌ها و همچنین در رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها مؤثر می‌داند (فراهانی فرد، ۱۳۸۹).

مسئله تأثیرپذیری اقتصاد از آموزه‌های دینی در میان دانشمندان غربی نیز مطرح بوده است. اسمیت در کتاب ثروت ملل می‌گوید که مشارکت در فرقه‌های مذهبی می‌تواند از طریق ایجاد حُسن شهرت، ریسک افراد را کاهش داده و از این طریق، اثر مثبت بر کارایی و تخصیص بهینه منابع داشته باشد. هاسلیتز و مک کله لند، دو تن از معاصرین اسمیت نیز با مطالعه افکار اسمیت گفته‌اند وابستگی مذهبی *گروه‌های نوآور (در مقابل گروه‌های سنتی) در فرایند مدرن‌سازی مؤثر است* (پیغامی، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۸).

وبر (۱۳۷٤)، اخلاق برگرفته از پروتستان را که افراد را به‌کار بیشتر و مصرف کمتر ترغیب می‌کند سبب پیشرفت نظام سرمایه‌داری می‌داند (وبر، ۱۳۷٤، ص. ۱۸).

در ادامه ابتدا نگاهی اجمالی به بانکداری اسلامی از نظر اندیشمندان شیعه و اهل سنت پرداخته و سپس بحث تسهیلات بانکی را از این نظر بررسی خواهیم کرد.

آیت‌الله شهید صدر (۱۳۵۹) نخستین فقیه و دانشمندی است که در میان اندیشمندان شیعه دربارهٔ مسائل اقتصادی به‌طور عام و مسئلهٔ بانک و بانکداری به‌طور خاص و مفصّل به تحقیق پرداخت. وی با انتشار آثاری مانند اقتصادنا، الاسلام یقودالحیاة و البنک اللاربوی زمینهٔ مطالعات و تحقیقات بعدی را در مسائل اقتصادی و بانکی پی‌ریزی کرد. ایشان در طرح پیشنهادی خود برای بانک اسلامی سه شرط را در نظر می‌گیرد:

یک. هماهنگی کامل با شریعت اسلام؛

دو. توفیق در همهٔ شرایط اجتماعی و در همه‌گونه جوامع انسانی؛

سه. نه‌تنها بتواند به‌عنوان یک مؤسسهٔ تجاری سودآور فعالیت کند، بلکه بتواند به‌عنوان یک بانک در زندگی اقتصادی، نقش سایر بانک‌ها را ایفا نماید.

شهید صدر (۱۳۵۹)، در روش به‌کارگیری سپرده‌های اشخاص، آن‌ها را به دو قسمِ عندالمطالبه (جاری و پس‌انداز) و مدت‌دار تقسیم‌کرده در سپرده‌های مدت‌دار روش مضاربه را پیشنهاد می‌کند و مکانیزم آن را نیز به‌صورت فنی ترسیم می‌نماید. درواقع ایشان بانک را واسطهٔ میان سپرده‌گذار و دریافت‌کنندهٔ تسهیلات، و وکیل صاحب سرمایه می‌داند.

بر اساس قانون بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳٦۲، بهره و ربا از فعالیت‌های بانکی حذف شده و کلیه فعالیت‌ها اعم از تجهیز و یا تخصیص منابع در قالب عقود اسلامی مجاز شمرده شد. این عقود را می‌توان در سه دسته عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای و عقد قرض‌الحسنه تقسیم‌بندی کرد. این عقدها عبارتند از:

مضاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، فروش اقساطی، قرارداد سلف، اجاره به‌شرط تملیک، جعاله، خرید دین و قرض‌الحسنه. البته عقد استصناع نیز به عقود قبلی اضافه شد. .

مهدوی (۱۳۷٤) با توجه به مشکلی که تعدد عقود در اجرا ایجاد می‌کند بر استفاده از مشارکت مدنی به‌عنوان تنها عقد اسلامی برای انجام تمام امور بانکداری تجاری تأکید می‌کند، از نظر ایشان این امر هم آموزش بانکداری را تسهیل می‌کند و هم انجام عملیات بانکی را با سهولت بسیاری امکان‌پذیر می‌نماید.

موسویان (۱۳۸۵) در الگوی جدید بانکداری بدون ربا سه نوع بانک تجاری، تخصصی و جامع پیش‌بینی کرده و برای هر یک مطابق با نیازها و انگیزه‌های مشتریان عقود و راهکارهایی را ارائه کرده است.

در تحقیقاتی که در کشورهای اسلامی مانند مصر، پاکستان و عربستان دربارهٔ نظام پولی اسلام و سیاست‌های پولی در این نظام صورت گرفته است، عمدتاً این نظام را بر اساس مشارکت، مضاربه و مرابحه معرفی نموده‌اند. این تحقیقات که عمدتاً مستند به فقه اهل سنت می‌باشد بر مدعای خود این‌گونه استدلال کرده‌اند که در عین حالی که خداوند ربا را حرام نموده، تجارت و معامله را حلال و جایز شمرده است.

در میان این محققان، برخی مانند محسن‌خان (۱۹۹۲)، رفیع‌خان (۱۹۸٤) و احمدنجار (۱۹۸۰) نظام مشارکت را برای انجام معاملات بانکی معرفی کرده و عده‌ای

مانند قحف (۱۹۸۷) بر روی عقد مضاربه تأکید نموده‌اند و بعضی نیز مانند شاپرا (۱٤۰٤) و صدیق (۱۳٦۱) به هر دو ابزار اشاره کرده‌اند. جمعی نیز مانند سامی حسن، احمد حمود (۱٤۱۱) عقد مرابحه را پیشنهاد نموده‌اند.

۲-۱. انواع تسهیلات بانکی و دریافت سود و یا کارمزد از آن‌ها

با توجه به موضوع مقاله، تمرکز خود را بر تسهیلات قرض‌الحسنه، مرابحه و جعاله و گرفتن کارمزد و سود در این عقود قرار داده و دیدگاه اهل سنت و امامیه را درباره آن‌ها بررسی خواهیم کرد.

۲-۱-۱. قرض‌الحسنه

در کتب فقهی عقدی به‌نام قرض‌الحسنه وجود ندارد بلکه عقد قرض مطرح شده است که به‌موجب آن قرض‌دهنده، مقدار معیّنی از دارایی خود را در اختیار قرض‌گیرنده می‌گذارد و قرض‌گیرنده موظف است طبق شرایط تعیین‌شده و در پایان دورهٔ مقرر، مثل یا قیمت آن را برگرداند. با توجه به حرمت بهره در اسلام گرفتن شرط گرفتن هرگونه مازاد از اصل قرض مصداق بهره بوده و جایز نمی‌باشد. در عرف متشرعه از قرضی که به قصد احسان به دیگران و بدون چشم‌داشت مادی در اختیار دیگران قرار داده شود به‌عنوان قرض‌الحسنه یاد می‌کنند. در نظام بانکداری اسلامی هم، قرض‌الحسنه تسهیلاتی است که به‌موجب آن، بانک مبلغ معیّنی را طبق ضوابط مقرر به اشخاص حقیقی یا حقوقی قرض می‌دهد و قرض‌گیرنده موظف است طبق شرایط تعیین‌شده و در پایان دورهٔ مقرر، همان مبلغ را بدون هیچ‌گونه افزایش (سود) یا کاهش (زیان) به اضافهٔ کارمزد خدمات به بانک بازگرداند (عرب مازار، کیقبادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵).

نسبت به دریافت کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

گروهی از فقها مانند آیات عظام، امام خمینی (۱٤۲۲)، فاضل لنکرانی (بی‌تا) و مکارم شیرازی (۱٤۲۷) قائل به جواز دریافت کارمزد می‌باشند. البته این گروه از فقها، سه شرط برای جواز آنچه به‌عنوان کارمزد دریافت می‌گردد، الزامی دانسته‌اند: الف. حقیقتاً کارمزد باشد و بهانه و پوششی برای دریافت ربا محسوب نگردد. ب. به مقدار متعارف (به اندازه مخارج صرف شده)، باشد نه بیشتر. ج. با توافق و رضایت طرفین صورت گیرد.

گروه دیگری از فقها همچون آیات عظام موسوی گلپایگانی (۱٤۰۹)، بهجت (۱٤۲۸)، تبریزی (بی‌تا) و صافی گلپایگانی (۱٤۱۷) دریافت کارمزد مشروط در قرض را از مصادیق ربای حرام می‌دانند.

در بین اهل سنت نیز برخی مانند عثمانی با صراحت اعلام می‌کند که اگر کارمزد قرارداد قرض‌الحسنه در حد هزینه‌های واقعی باشد اشکالی ندارد. در مقابل عده‌ای هرگونه مازاد ولو به اسم کارمزد را مصداق بهره و حرام می‌دانند (۲۰۱۰: پایگاه جامع فتاوا برای اهل سنت، شماره فتوی ۵۱۳۰) برخی نیز تأکید می‌کنند کارمزد باید به‌صورت یکسان گرفته شود و مبلغ قرض تأثیری در آن نداشته باشد (خبرگزاری مهر، اسفند ۱۳۸۹).

۲-۱-۲. مرابحه

مرابحه یکی از اقسام عقد بیع می‌باشد. در این قرارداد فروشنده ملزم است قیمت خرید کالایی که قصد فروش آن را دارد به‌علاوه سودی که قصد دریافت آن را دارد به خریدار اعلام کند. این قرارداد می‌تواند به‌صورت نقدی و یا نسیه انجام گیرد. در قانون بانکداری بدون ربا، فروش اقساطی که همان مرابحه نسیه است، آمده است که: فروش اقساطی یکی از مصادیق مرابحه می‌باشد. ورود قرارداد مرابحه به عرصه بانکداری ایران، مستند به قانون برنامه پنجم توسعه است و به‌تبع این قانون، این قرارداد در قانون عملیات بانکی فصل سوم آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا این‌گونه تعریف شد: «مرابحه قراردادی است که به موجب ماده ۱۱ بانکداری بدون ربا موجب آن شد که عرضه‌کننده بهای تمام‌شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود، آن را به‌صورت نقدی، نسیه دفعی یا اقساطی به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معیّن به متقاضی واگذار می‌کند. در عمل، بانک کالا یا محصول تولیدی مورد نظر متقاضی تسهیلات را از تولیدکننده یا فروشنده می‌خرد؛ در صورت حصول توافق، بانک محصول را به متقاضی تسهیلات به قیمت معیّن که شامل ثمن خرید به‌اضافه سایر هزینه‌ها و سود بانک خواهد بود، می‌فروشد (پیرهادی، ۱۳۹٤). این قرارداد در فقه اهل سنت نیز مشروع می‌باشد. (حسن محمود، ۱٤۰۲) و بیشترین اشتراکات را فقه شافعی با شیعه در این زمینه دارد (موسویان، ۱۳۹۷، ص. ۲)، با این تفاوت که در فقه اهل سنت امکان

اعطای وکالت به گیرنده تسهیلات جهت خرید کالا وجود ندارد، درحالی‌که چنانچه در بانکداری ایران رایج است، گیرنده تسهیلات به وکالت از بانک کالا را خریداری کرده و با درصدی اضافه‌تر به خودش می‌فروشد که البته زمینه صوری‌شدن برخی از این فعالیت‌ها را ایجاد می‌کند. (موسویان، ۱۳۹۷، ص. ٤٥). همچنین گرفتن درصد اضافی نسبت به قیمت خرید را برخی از فقیهان اهل سنت جایز ندانسته و مصداق ربا می‌دانند. (شوکانی، ۵، ۱۷۲) اما ائمهٔ اربعه اهل سنت و جمهور فقها و محدّثان، چنین معامله‌ای را جایز می‌دانند.

با توجه به مشروعیت مرابحه در فقه امامیه و اهل سنت، هرگاه تسهیلات مرابحه و فروش اقساطی مطابق ضوابط تعیین‌شده در شرع صورت پذیرد، گرفتن مبلغ مازاد مجاز می‌باشد و شبهه ربوی بودن ندارد.

۲-۱-۳. جعاله

جعاله عبارت است از التزام شخص (جاعل) یا کارفرما به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل عملی معیّن، طبق قرارداد طرفی که عمل را انجام می‌دهد (عامل) یا پیمانکار نامیده می‌شود (موسویان؛ عبادی،۱۳۹۱، ص. ٤٣). در جعاله بانکی معمولاً بانک‌ها در نقش عامل ظاهر می‌شوند و به انجام خدمات بانکی، سرمایه‌گذاری مستقیم از طریق شرکت‌های تابعه و انعقاد جعاله ثانویه می‌پردازند. گشایش اعتبارات اسنادی، صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی و سرمایه‌گذاری مستقیم از سوی بانک‌ها می‌تواند در قالب جعاله انجام شود. هر شخص حقیقی یا حقوقی که واجد شرایط عمومی اخذ تسهیلات بانکی و همچنین دارای شرایط خاص مربوط به عقد جعاله باشد با رعایت ضوابط مربوط به اعطای تسهیلات می‌تواند از تسهیلات جعاله استفاده کند. تسهیلات جعاله در دو بخش کلی جعاله برای اجرای طرح‌های مختلف و جعاله ساختمانی (احداث مسکن در املاک فاقد سابقه ثبتی و برای تعمیرات واحدهای مسکونی) قابل پرداخت است. بر طبق ماده ۷۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها اجازه دارند قسمتی از مبلغ قرارداد جعاله را، به‌عنوان پیش‌دریافت یا پیش‌پرداخت، با رعایت ضوابط مقرر از سوی شورای پول و اعتبار، دریافت کنند یا بپردازند.

فقهای شیعه و اهل سنت، جز حنفیان، جعاله را مشروع می‌دانند. حنفیان جعاله را نوعی اجاره فاسد و نامشروع دانسته‌اند، به این سبب که در جعاله گاهی عامل نامعیّن است و ازاین‌رو «قبول» عامل، که ازجمله شرایط تشکیل عقد است، تحقق‌پذیر نیست. این احتمال هم وجود دارد که عامل نتواند کار موردنظر را انجام دهد، درنتیجه اجرت به امری مجهول و غَرَری تعلق می‌گیرد که نوعی قمار است. این نظر را مناقشه‌پذیر دانسته و گفته‌اند که جاعل زمانی اجرت را به عامل می‌دهد که کار مورد نظر انجام شده باشد، بنابراین نمی‌توان جعاله را قمار دانست. همچنین آغاز شدن کار جاعل را می‌توان قبول او به‌شمار آورد (طوسی، ١٤١٧، ص. ١٣٦). در عین حال، حنفیان هر چند جعاله را نپذیرفته‌اند، کسی را که برده فراری را به صاحبش باز گرداند، مستحق اجرت دانسته‌اند (عدل، ١٣٧٣، ص. ٨٤).

معمولاً بانک‌ها برای این‌که خود را درگیر اجرا در تسهیلات جعاله نکنند از طریق جعاله دوم آن را در اختیار پیمانکار دیگری قرار می‌دهند، با این تفاوت که در جعاله اول مبلغ جعل نسیه بوده و در جعاله دوم مبلغ آن نقد می‌باشد و بانک از مابه‌التفاوت مبلغ نقد و نسیه جعل منتفع می‌شود و جالب است که اغلب بانک به خود مشتری وکالت می‌دهد تا جعاله دوم را به وکالت از بانک منعقد کند و جالب‌تر این‌که این مراحل صرفاً روی کاغذ بوده و اغلب مشتری متوجه این عملیات نمی‌شود زیرا هدف او گرفتن وامی است که بتواند مشکلات خود را مرتفع کند و در بسیاری از موارد تسهیلات جعاله در جای خود مصرف نمی‌شود. در این شرایط است که گرفتن مبلغ مازاد از اصل پول و دادن آن از جانب مشتری شبه ربوی پیدا می‌کند و این مسئله اختصاص به مشتریان سنی‌مذهب ندارد بلکه از نظر فقه شیعه نیز دچار مشکل است. فقط ممکن است همان‌طور که در مرابحه اهل سنت، دادن وکالت به مشتری را قبول نداشتند در این مورد نیز چنین ادعایی داشته باشند.

٢-١-٤. جریمه دیرکرد تسهیلات

در رابطه با جواز و یا عدم جواز جریمه دیرکرد تسهیلات بانکی دو نظریه وجود دارد:

برخی از فقیهان مانند آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله اردبیلی، گرفتن جریمه تأخیر را در صورتی که طبق مقررات باشد جایز می‌دانند (پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، ١٣٨٣) گروهی

از قائلین به نظریه جواز اعتقاد دارند که جریمه تأخیر، درازای عدم نفع و ضرر وارد آمده به بانک است؛ بنابراین، جریمه تأخیر، ربا نیست؛ بلکه جبران خسارت است. تأخیر در پرداخت، ظلم و جرم است، و طبق قانون، قاضی می‌تواند مجرم را تعزیر کند و جریمه تأخیر دین، تعزیر مالی است. در قوانین مصوب ایران نیز اشاره به جواز شده است، مثلاً با تأیید شورای نگهبان (مورخ ۱۳٦۱/۱۱/۲۸) دریافت مبلغی به‌عنوان جریمه تأخیر تأدیه، در قراردادهای بانکی، در صورتی که به‌عنوان شرط ضمن عقد، در متن قرارداد آمده باشد، مجاز است؛ همچنین مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (مورخ ۱۳٦۸/۱۰/۵)، بانک‌ها می‌توانند از قراردادهای بانکی سابق بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا (که در متن قرارداد آن‌ها جریمه تأخیر نیامده است)، در صورت تأخیر در پرداخت، خسارت تأخیر تأدیه دریافت کنند. همچنین مطابق آخرین اصلاح قانون چک (مصوب ۱۳۸۲/۲/٦) دارنده چک می‌تواند بر مبنای نرخ تورم اعلام‌شده از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، از بدهکار خسارت تأخیر تأدیه بگیرد؛ همچنین طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱) طلبکار می‌تواند به اندازه نرخ تورم خسارت تأخیر تأدیه دریافت کند مشروط بر این‌که دین را مطالبه کند و بدهکار با داشتن تمکن امتناع از پرداخت کند و نرخ تورم فاحش باشد؛ مطابق تأیید شورای نگهبان (مورخ ۱۳٦٦/۱۰/۲٤) جایز است از دولت‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت بهره و خسارت تأخیر تأدیه را ممنوع نمی‌دانند، بهره و خسارت تأخیر تأدیه گرفت (موسویان: ۱۳۹٤).

در مقابل برخی از فقیهان از قبیل امام خمینی (ﷺ) (۱۳۷۹)، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله تبریزی جریمه دیرکرد از بانک‌ها را حرام می‌دانند.

کلمات فقیهان اهل سنت متفاوت است، مثلاً زرقأ می‌گوید: «جایز نیست بین بدهکار و طلبکار بر مقدار پرداخت ضررِ تأخیر، توافقی صورت گیرد؛ زیرا ربا تحقق می‌یابد فقط قاضی می‌تواند به پرداخت جریمه حکم کند؛ زیرا: الف) مماطل (بدهکاری که بدهی را نپرداخته) به طلبکار ضرر وارد ساخته است. ب) مماطل، ظالم، و مستحق عقوبت است. ج) راه جبران خسارت و ضرر، پرداخت عوض آن است. د) تأخیر ادای حق، شبیه غصب منافع است، و غاصب افزون بر ضمانت اصل مال، ضامن منافع آن نیز

هست». وی می‌گوید: «جریمه‌ای که قاضی تعیین کند، ربا نیست؛ بلکه عوض ضرر و برای رفع ضرر و اقامه عدل است». همچنین ربا بین دائن و مدین از ابتدا تعیین می‌گردد؛ ولی تعویض ضرر، در پایان مشخص می‌شود (الزرقا، ۱۳۸۸، ص. ۲٦).

ضریر، قائل است که بانک نمی‌تواند با مشتری بر پرداخت مبلغ معیّنی یا نسبتی از بدهی در صورت تأخیر توافق کند. فقط در صورت قدرت مشتری بر ادای دین می‌توانند توافق کنند که ضرر فعلی وارد بر بانک را جبران کند. حماد می‌گوید: راه شرعی در این‌باره به‌ترتیب عبارت از تهدید به عقاب آخرتی، سپس حکم قاضی به ادای مال، حبس، تعزیر و فروش اموال بدهکار و پرداخت مال طلبکار است. در دیدگاه وی، تأخیر در ادای بدهی، حکم غصب را ندارد؛ زیرا ضمانِ منافع در جایی است که مال مغصوب، قابلیت اجاره را داشته باشد؛ درحالی‌که پول قابلیت اجاره و منافع بالفعل را ندارد (رضایی، ۱۳۸۱، ص. ۱۷). البوطی، قائل به عدم جواز عقوبت مالی است. شعبان، تعویض ضرر غیرعادی را جایز می‌داند و این امر در قانون مدنی کویت نیز پذیرفته شده است. عبدالبر، معتقد به تعویض و جبران ضرر تحقق‌یافته است. دلیل این‌ها این است که عقوبت در حدیث نبوی مطلق[1] است و شامل عقوبت مالی نیز می‌شود؛ ولی مال باید در مقابل ضرر قطعی و مال تلف‌شده باشد، نه ضرر احتمالی. صدیقی و السالوس، قائل هستند که جریمه تأخیر را باید به صندوق مالی ویژه یا خیریه رساند و راه‌حل آن، راه قضائی و جزائی است (زکی عبدالبر، بی‌تا، ص. ۲٥٦). زرقا و القری الزام می‌کنند که مماطل باید به مقدار تأخیر، به دائن، قرض‌الحسنه بدهد تا از این راه ضرر او را رفع کند. اساس مطلب در این نظریات، جواز عقوبت مالی با استفاده از حدیث نبوی یا ضمانت منافع مال غصبی و منفعت داشتن پول است و هر یک می‌تواند به این بحث کمک کند، و بیش‌تر به عدم جواز جبران خسارت با تعیین اولیه آن قائل هستند (زرقا، ۱۳۸۸، ص. ۷۰).

بنابراین گرچه این فقیهان شرط پرداختن زیادی را در مقابل تأخیر جایز نمی‌دانند اما از راه‌های دیگر آن را جایز دانسته‌اند، همان‌طور که گروهی از فقیهان شیعه که دریافت جریمه را را جایز دانسته‌اند عناوینی مانند وجه التزام و جریمه برای آن مطرح کرده‌اند.

---

۱ . «لی الواجد یالدین یحل عرضه و عقوبته» کسی که در ادای دین مسامحه کرده جایز است آبرویش برده شود و مجازات شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۳، کتاب التجاره، باب ۸، ح ۲٤۲۷.)

۳. روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش پرسش‌نامه و مصاحبه و آماره آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون به بررسی دلایل عدم استقبال مردم در مذهب اهل سنت در دریافت تسهیلات بانکی پرداخته شده است و نظرات مراجع و مردم مورد بررسی قرار گرفت، با استفاده از داده‌های جمعیتی سال ۱۳۹۰ و مشخص‌شدن جمعیت شیعه و اهل سنت استان؛ و انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران و آزمون t و توزیع پرسش‌نامه، به‌صورت درصدی از جمعیت اهل سنت و تشیع استان کرمانشاه صورت پذیرفت. با توجه به داده‌ها در این پژوهش از روش دوم نمونه‌گیری کوکران جهت انتخاب جمعیت نمونه مورد آزمایش، استفاده شده است. با توجه به این‌که سرشماری در کشور ایران هر ۱۰ سال یکبار صورت می‌گیرد بر اساس آمار جمعیتی سال ۱۳۹۰ تعداد جمعیت استان ۱۷۷۸۵۹٦ نفر می‌باشد؛ که از این تعداد ۱۳٦٤۸٦۳ نفر شیعه و ٤۱۳۷۳۳ نفر اهل سنت است. بر اساس روش کوکران حجم نمونه به‌دست آمده ۳۸٤ نفر می‌باشد که به تناسب جمعیت اهل سنت۲۳ درصد وشیعه ۷۷ درصد (۸۹ نفر اهل سنت و ۲۹۵ نفر شیعه)، پرسش‌نامه میان افراد نمونه جهت پاسخ‌دهی توزیع شد؛ و پاسخ‌ها برای صحت نتایج مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا لازم است مباحثی در زمینه روش نمونه‌گیری کوکران مطرح گردد، سپس پرسشنامه ارائه شود.

فرمول کوکران

$$n=\frac{\frac{z^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}\left(\frac{z^2pq}{d^2}-1\right)}$$

S = حجم نمونه و N = حجم جامعه

فرمول کوکران یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای محاسبه حجم نمونه آماری است.

برای تعیین حجم نمونه در تحقیقات از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. دو روش متداول برای این کار استفاده از فرمول شارل کوکران و جدول مورگان است.

۱) روش شارل کوکران

تعیین حجم نمونه ساده‌ترین روش استفاده از فرمول کوکران می‌باشد.

۲) روش جدول مورگان

زمانی که نه واریانس جامعه و نه احتمال موفقیت یا عدم موفقیت متغیر اطلاع دارید و نمی‌توان از فرمول‌های آماری برای برآورد حجم نمونه استفاده کرد، از جدول مورگان استفاده می‌کنیم. این جدول حداکثر تعداد نمونه را می‌دهد.

N	S	N	S	N	S	N	S	N	S
۱۰	۱۰	۱۰۰	۸۰	۲۸۰	۱۶۲	۸۰۰	۲۶۰	۲۸۰۰	۳۳۸
۱۵	۱۴	۱۱۰	۸۶	۲۹۰	۱۶۵	۸۵۰	۲۶۵	۳۰۰۰	۳۴۱
۲۰	۱۹	۱۲۰	۹۲	۳۰۰	۱۶۹	۹۰۰	۲۶۹	۳۵۰۰	۳۴۶
۲۵	۲۴	۱۳۰	۹۷	۳۲۰	۱۷۵	۹۵۰	۲۷۴	۴۰۰۰	۳۵۱
۳۰	۲۸	۱۴۰	۱۰۳	۳۴۰	۱۸۱	۱۰۰۰	۲۷۸	۴۵۰۰	۳۵۱
۳۵	۳۲	۱۵۰	۱۰۸	۳۶۰	۱۸۶	۱۱۰۰	۲۸۵	۵۰۰۰	۳۵۷
۴۰	۳۶	۱۶۰	۱۱۳	۳۸۰	۱۸۱	۱۲۰۰	۲۹۱	۶۰۰۰	۳۶۱
۴۵	۴۰	۱۸۰	۱۱۸	۴۰۰	۱۹۶	۱۳۰۰	۲۹۷	۷۰۰۰	۳۶۴
۵۰	۴۴	۱۹۰	۱۲۳	۴۲۰	۲۰۱	۱۴۰۰	۳۰۲	۸۰۰۰	۳۶۷
۵۵	۴۸	۲۰۰	۱۲۷	۴۴۰	۲۰۵	۱۵۰۰	۳۰۶	۹۰۰۰	۳۶۸
۶۰	۵۲	۲۱۰	۱۳۲	۴۶۰	۲۱۰	۱۶۰۰	۳۱۰	۱۰۰۰۰	۳۷۳
۶۵	۵۶	۲۲۰	۱۳۶	۴۸۰	۲۱۴	۱۷۰۰	۳۱۳	۱۵۰۰۰	۳۷۵
۷۰	۵۹	۲۳۰	۱۴۰	۵۰۰	۲۱۷	۱۸۰۰	۳۱۷	۲۰۰۰۰	۳۷۷
۷۵	۶۳	۲۴۰	۱۴۴	۵۵۰	۲۲۵	۱۹۰۰	۳۲۰	۳۰۰۰۰	۳۷۹
۸۰	۶۶	۲۵۰	۱۴۸	۶۰۰	۲۳۴	۲۰۰۰	۳۲۲	۴۰۰۰۰	۳۸۰
۸۵	۷۰	۲۶۰	۱۵۲	۶۵۰	۲۴۲	۲۲۰۰	۳۲۷	۵۰۰۰۰	۳۸۱
۹۰	۷۳	۲۷۰	۱۵۵	۷۰۰	۲۴۸	۲۴۰۰	۳۳۱	۷۵۰۰۰	۳۸۲
۹۵	۷۶	۲۷۰	۱۵۹	۷۵۰	۲۵۶	۲۶۰۰	۳۳۵	۱۰۰۰۰۰	۳۸۴

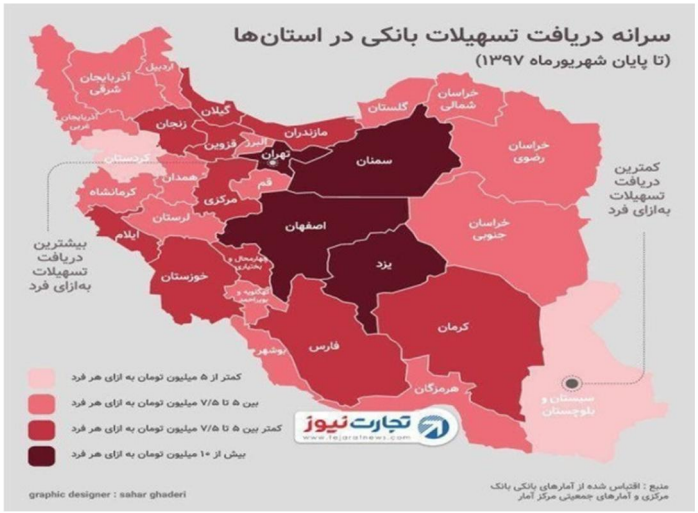

در این پژوهش از جدول مورگان جهت انتخاب نمونه و از آماره آزمون t جهت معنی‌دار بودن اخذ تسهیلات بین دو گروه شیعه و اهل سنت استفاده شد، سپس به بررسی ضریب همبستگی بین اعتقاد مذهبی و میزان اخذ انواع تسهیلات پرداخته می‌شود. نیاز به توضیح است که این پژوهش از سه بخش تشکیل شده است که در ابتدای بحث، مباحث آن به‌طور کامل تشریح شد، در این قسمت سؤالات مربوط به هر بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نظرات مصاحبه‌شوندگان در بخش نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد. بخش اول شامل سؤالات رویکرد کلی به بانکداری اسلامی و تسهیلات بانک‌ها، بخش دوم شامل سؤالات تسهیلات قرض‌الحسنه و کارمزد آن بخش سوم شامل سؤالات تسهیلات جعاله و مرابحه و سود دریافتی از آن‌ها و اخذ جرائم بانکی است.

	مقدار آماره t	مقدار احتمال
آزمون برابری اخذ تسهیلات در گروه شیعه و سنی	۲/٤٥-	۰/۰۱

	مقدار همبستگی	مقدار احتمال
تسهیلات قرض‌الحسنه	۰/۳۱۲	۰/۰۲
تسهیلات مرابحه	۰/۷۸۵	۰/۰۰
تسهیلات جعاله	۰/۸۷	۰/۰۰
جریمه دیرکرد	۰/۹۲	۰/۰۰
کارمزد	۰/۲٦	۰/۰۰

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که مقدار آماره t برای دو گروه برابر با ۲/٤٥- است و دارای مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵ است و فرضیه صفر مبنی بر برابری میانگین دو گروه رد شده است، به عبارتی تفاوت در اخذ تسهیلات بین دو گروه از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین ضریب همبستگی پیرسون بین اعتقاد مذهبی و تسهیلات قرض‌الحسنه کمتر و برابر با ۰/۳۱۲ است، درحالی‌که ضریب همبستگی بین تسهیلات جعاله و مرابحه و اعتقاد مذهبی به نسبت بالاتر و به‌ترتیب برابر با ۰/۸۷ و ۰/۷۸۵ است. بنابراین تفاوت

در دیدگاه مذهبی اثر معنی‌داری را بر تفاوت در اخذ تسهیلات مرابحه و جعاله دارد، اما تفاوت در دیدگاه مذهبی اثر کمتری را بر تفاوت اخذ تسهیلات با نوع قرض‌الحسنه می‌شود و به عبارتی هر دو مذهب، تسهیلات قرض‌الحسنه را قبول دارند و تقاضا برای اخذ تسهیلات قرض‌الحسنه در هر دو مذهب وجود دارد. علاوه بر این بسیاری از بزرگان شیعه و سنی کارمزد را قبول دارند و آن را به‌عنوان هزینه پول در نظر می‌گیرند، لذا ضریب همبستگی بین کارمزد و تفاوت در اعتقادات کمتر، و برابر با ۰/۲٦ است و نوعی همگنی در اعتقادات در زمینه کارمزد وجود دارد. همچنین در زمینه جریمه این اعتقاد وجود دارد که جریمه حرام است و در پیروان سنی این مسئله از حساسیت بیشتری برخوردار هستند، به همین دلیل منجر به ضریب همبستگی بالا شده است و تفاوت در اعتقادات نقش بسزایی را در تفاوت جریمه دارد.

پرسش‌نامه شماره۱

سؤالات و دیدگاه‌های دریافت‌کنندگان تسهیلات	شیعه	اهل سنت
بنابر قرآن، سنت، اجماع و عقل آیا بانکداری در ایران اسلامی است ؟ الف) بله ب) خیر	٪۸۰ الف	٪۹٦ الف
میزان اطلاعات شما از بانکداری اسلامی و قوانین آن به چه میزان است؟ الف) زیاد ب) متوسط ج) کم	٪۹۷ متوسط	٪۹۷ متوسط
آیا تاکنون از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اید؟ الف) بله ب) خیر	٪۳۰ خیر	٪۹٤ خیر
در صورتی که تاکنون از تسهیلات بانکی استفاده نکرده‌اید دلیل آن چه چیزی بوده است؟	قرآن و فتوای مراجع و روایات	قرآن و فتوای مراجع
تاکنون از چه بانک‌هایی تسهیلات بانکی اخذ نموده‌اید؟ الف)بانک‌های قرض‌الحسنه ب) سایر بانک‌ها به‌صورت تسهیلات قرض‌الحسنه ج) سایر بانک‌ها به‌صورت تسهیلات مرابحه و جعاله د) سایر بانک‌ها به‌صورت سایر تسهیلات(غیر از قرض‌الحسنه، مرابحه و جعاله)	٪۸۵ ج	٪۹٤ الف

پرسش نامه شماره۲

سؤالات و نظرات مصاحبه‌شوندگان تسهیلات قرض‌الحسنه و اخذ کارمزد آن‌ها	شیعه	اهل سنت
تاکنون چندبار ز تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده کرده‌اید؟ الف) اصلاً استفاده نکردم ب) ۱تا ۳ بار ج) بیش از ۳ بار	٪۷۵ ج	٪۸۶ ب
اطلاعات شما از قوانین کارمزدبانکی به چه میزان است؟ الف) زیاد ب) متوسط ج) کم	٪۸۵ ج	٪۹۰ ج
آیا اخذ کارمزد بانکی از تسهیلات قرض‌الحسنه اشکال دارد؟ الف) بله ب) خیر	٪۸۵ الف	٪۹۹ الف
در صورت مثبت بودن پاسخ دلیل خود را ذکر کنید؟	قرآن روایات فتوای مراجع	قرآن روایات فتوای مراجع

پرسش‌نامه شماره۳

سؤالات و نظرات مصاحبه‌شوندگان تسهیلات جعاله و مرابحه و اخذ سود و جریمه دیرکرد آن‌ها	شیعه	اهل سنت
میزان آشنایی شما با تسهیلات جعاله به چه میزان است؟ الف) اطلاعی ندارم ب) در حد کم ج) زیاد	٪۸۰ زیاد	٪۸۰ زیاد
تاکنون چند بار از تسهیلات جعاله استفاده کرده‌اید؟ الف) اصلاً استفاده نکرده‌ام ب) ۱تا ۳ بار ج) بیش از ۳ بار	٪۳۰ ب	٪۹۴ الف
میزان آشنایی شما با تسهیلات مرابحه به چه میزان است؟ الف) اصلاً اطلاعی ندارم ب) کم ج) زیاد	٪۸۵ ج	٪۹۳ ج
تاکنون چند بار از تسهیلات مرابحه استفاده کرده‌اید؟ الف) اصلاً استفاده نکرده‌ام ب) ۱تا ۳ بار ج) بیش از ۳ بار	٪۷۰ ب	٪۹۴ الف

سؤالات و نظرات مصاحبه‌شوندگان تسهیلات جعاله و مرابحه و اخـذ سود و جریمه دیرکرد آن‌ها	شیعه	اهل سنت
اطلاعات شما از قوانین جریمه دیرکرد بانک‌ها به چه میزان است؟ الف) زیاد ب) متوسط ج) کم	٪۹۹ ب	٪۹۹ ب
آیا دریافت سود از تسهیلات جعاله و مرابحه اشکال شرعی دارد؟ الف) بله ب) خیر	٪۸۵ الف	٪۹۹.۹۹ الف
اگر پاسخ مثبت است دلایل آن چیست؟	دستورات دین فتوای مراجع	دستورات دین فتوای مراجع
آیا جریمه دیرکرد اشکال شرعی دارد؟ الف) بله ب) خیر	٪۹۵ الف	٪۹۹.۹۹ الف
اگر پاسخ مثبت است دلایل آن چیست؟	فتوای مراجع	فتوای مراجع قرآن کریم

نتایج پرسشنامه اول در مورد اخذ تسهیلات در مذهب امامیه و اهل سنت حاکی از این است که اهل سنت بیشتر از تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده کرده‌اند و در مورد بقیه تسهیلات کمتر استفاده کرده‌اند. در این مورد در میان اهل تشیع با درصدی کمتر از تسهیلات استفاده شده است و دلیل عدم استفاده از برخی تسهیلات وجود فتاوی فقها و دستورات شرع مقدس اسلام است. در مورد پرسشنامه دوم در مورد اخذ تسهیلات قرض‌الحسنه در هردو گروه اهل سنت و تشیع بیشتر از قرض‌الحسنه در مقابل بقیه تسهیلات استفاده کرده‌اند و کارمزد را محل اشکال می‌بینند. در هردو مذهب دلیل استفاده از این تسهیلات را فتاوی و منابع اصیل اسلامی ازجمله قرآن کریم می‌دانند. در مورد پرسشنامه سوم در مورد اخذ تسهیلات مرابحه و جعاله و سود و دیرکرد آن‌ها بیشتر اهل سنت از این نوع تسهیلات استفاده کرده‌اند و در میان اهل تشیع نیز درصد کمتری نسبت به اهل سنت استفاده شده و هر دو گروه اخذ سود و دیرکرد را دارای اشکال می‌بینند. به‌طور کلی باتوجه به آنچه بر اساس نتایج به‌دست آمده میان دریافت تسهیلات بانکی با اعتقادات مذهبی رابطه مستقیمی وجود دارد، به‌گونه‌ای که بر حسب نمونه جمعیتی استان کرمانشاه در میان مذهب اهل تسنن و تشیع، مذهب اهل تسنن بنا بر پیروی از دستورات

دین و مراجع خود کمترین نرخ استفاده از تسهیلات بانکی را دارند، درصد کمی از علل عدم استقبال اهل تسنن از تسهیلات بانکی مربوط به عدم آشنایی آن‌ها نسبت به عقود بانکی می‌باشد و درصد بسیاری از این عدم استقبال مربوط به پیروی از دستورات دین و مراجع می‌باشد. در زمینه تسهیلات مرابحه اشتراک بسیاری میان اهل تسنن و شیعه وجود دارد و در زمینه تسهیلات جعاله و مرابحه بیشترین مخالفت‌ها با اخذ سودهای بانکی این تسهیلات می‌باشد. در زمینه قرض‌الحسنه بیشتر استقبال اهل تسنن از تسهیلات بانکی قرض‌الحسنه می‌باشد البته در بحث کارمزد این تسهیلات با مخالفت مردم و مراجع روبه‌رو می‌باشد، همچنین در بحث اخذ جرائم بانکی هم برخی از مراجع شیعه و همچنین مراجع اهل تسنن مخالف آن می‌باشند هرچند که برخی دیگر از مراجع شیعه موافق اخذ جرائم دیرکرد تسهیلات می‌باشند. از آنجا که کل سیستم بانکی از دیدگاه اهل تسنن مورد انتقاد نمی‌باشد و فقط برخی از قوانین همچون اخذ کارمزد و اخذ سود تسهیلات و همچنین جرائم دیرکرد مورد انتقاد است.

۵. پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش و این‌که اعتقادات دینی مشتریان بانک تأثیر قابل‌توجهی در اقبال و یا عدم اقبال به بانک خواهد داشت، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تعدد عقود مجاز در قانون بانکداری بدون ربا به‌رغم این‌که گستره فعالیت‌های بانکی را می‌تواند افزایش دهد، با این وجود می‌توان از بین آن‌ها به عقودی اکتفا کرد که علاوه بر پیچیده نبودن، مورد اتفاق فقهای شیعه و اهل سنت باشد و با این ترتیب افراد بیشتری را به‌سمت فعالیت‌های بانکی سوق داد.

۲. در بخش سپرده‌های بانکی، سپرده‌هایی همانند قرض‌الحسنه جاری، سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار مورد اشتراک شیعه و سنی می‌باشد. البته بحث پرداخت سود علی‌الحساب به سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیاز به تحقیق جداگانه‌ای دارد.

۳. با توجه به اختلاف‌نظر درباره دریافت کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه می‌توان با افتتاح بانک‌های قرض‌الحسنه بدون کارمزد در مناطق شیعه‌نشین همچون مناطق

سنی‌نشین اعتماد آن‌ها را به‌دست آورد. بانک‌ها می‌توانند از منابع خود و یا کمک‌های دولت و نیز افراد نیکوکار این هزینه‌ها را جبران کنند.

٤. آمارهای گذشته نشان می‌دهد بخش خیلی کم از منابع بانک به‌سمت تسهیلات قرض‌الحسنه می‌رود و همچنین شبهه عدم اجرای عدالت در تخصیص این بخش کم وجود دارد. حل این مشکل می‌تواند اقبال سپرده‌گذاران را به‌سمت سپرده‌های قرض‌الحسنه بیشتر کند.

۵. آموزش کارکنان، اجرای دقیق قانون و پرهیز از فعالیت‌های صوری در تسهیلات اعطایی می‌تواند شبهه ربا را در بین متدینین و مراجع کاهش دهد.

کتابنامه

قرآن کریم

آبادی‌زاده، فریبا (۲۰۱۶)، بررسی جایگاه اجاره در فقه امامیه و اهل سنت و حقوق موضوعه، کنفرانس بین‌المللی هزاره سوم و علوم انسانی.

ابراهیمی، محمد حسین (۱۳۹۷)، مجموعه مقالات و گفتمان‌های اقتصادی و بانکداری اسلامی، شماره اول.

محمود، احمد و حسن، سامی (۱٤۱۱ق)، تطویرالاعمال‌المصرفیه، مکتبةالتراث، القاهره: الطبعةالثالثه.

بانک مرکزی (۱۳۹۰)، آیین‌نامه دستورالعمل اجرایی.

بانک مرکزی (۱۳۸۳)، آیین‌نامه تسهیلات بانکی.

بانک مرکزی (۱۳۶۲)، آیین‌نامه‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا، فصل سوم، ماده ۵۷.

الزرقا، مصطفی احمد (۱۳۸۸)، المدخل الفقهی العلم، بیروت: انتشارات دارالفکر، ص۷۰.

بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، استفتائات جدید، جلد سوم، دفتر آیت‌الله بهجت، ص۱۸۹.

پایگاه اطلاع‌رسانی رسا (۱۳۸۳).

پایگاه جامع فتاوی اهل سنت (۲۰۱۰).

پورفرج، علیرضا و همکاران (۱۳۹۳)، «دین و رفتار اجتماعی»، جستارهای اقتصادی، ش ۲۲.

پیغامی، عادل (۱۳۸۹)، مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی، چاپ اول، دانشگاه امام صادق.

پیرحیاتی، محمدرضاو حیدر، عطی (۱۳۹۴)، «بررسی قرارداد مرابحه در متون فقهی و حقوقی و نظام بانکی»، فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال دوم، شماره چهارم.

تبریزی، جواد (۱۳۸۵)، استفتائات جدید، چاپ سوم،نشر سرور، ص۲۸۱.

ترمذی، ابوعیسی محمد (۱۲۳۵)، التجارات، قاهره: انتشارات دارلحدیث، ص۳۳۵.

تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۷)، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، المعاونیه الثقافیه، ص۶۴.

نجفی، محمدحسن (۱۲۶۶)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، انتشارات جامعه مدرسین، ج۲۳، ص۳۳۴.

جواهری، محمد رفیق (۱۳۹۰)، «سود و بانکداری اسلامی»، مجله سفیر، سال پنجم، شماره بیستم.
خبرگزاری مهر (۱۳۸۹).
حلی، حسن بن یوسف (علامه) (۱٤۲۱ق)، تحریرالاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة، قم: چاپ ابراهیم بهادری.
خان، محسن. س (۱۹۹۲)، اصول نظری و سیاست‌گذاری پولی درچارچوب اسلامی، برگرفته از: کتاب درسهایی از اقتصاد اسلامی، انتشارات بانك و توسعه اسلامی.
خرازی، محسن (۱۳۸۴)، «پژوهشی در اقسام بانک و احکام آن»، فقه اهل بیت، ش۴۳، صص ۳-۵۳.
خوش‌آیند، محمدحسین (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی فقهی قرارداد اجاره به شرط تملیک»، دوفصلنامه پژوهشگاه فقه و نظام‌سازی عدالت، سال اول، شماره۲.
رضایی، مجید (۱۳۸۱)، «بررسی فقهی ـ حقوقی جریمه تأخیر»، مجله اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۶.
شاپرا، محمدعمر (۱٤۰٤ق)، «النظام النقدی و المصرفی فی الاقتصادالاسلامی»، مجله ابحاث الاقتصاد الاسلامی، العدد الثانی، المجلد الاول.
شوکانی، محمد بن علی (۱۲۵۵)، نیل الاوطار شرح منتقی الاخبار من احادیث سید الاخیار، نیل‌الأوطار، انتشارات دالفکر بیروت، جلد۵، ص ۱۷۲.
صافي گلپايگاني، لطف الله (۱۴۱۷ق)، رساله توضیح المسائل، نشرقم، ج۲، ص۳۰۲، چاپ شصت.
صدر، محمدباقر (۱۳۵۹)، بانك اسلامی، ترجمه ح.ا.خُنجی، انتشارات الفتح.
صدیق، نجات‌اللّه (۱۳٦۱)، بانکداری بدون بهره، ترجمه اکبر مهدوی‌پور، چاپ‌اول، انتشارات سروش.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو.
طغیانی، مهدی و صادق‌پور، فاطمه (۱۳۹۵)، «بررسی فقهی کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه»، فصلنامه علمی ـ ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم.
طوسي، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج۲، چاپ دوم، انتشارات: المکتب المرتضویه.
طوسی، محمد بن حسن (۱٤۱۳ق)، تهذیب الاحکام، بیروت: چاپ محمدجواد فقیه و یوسف بقاعی.
طوسی، محمد بن حسن (۱٤۱۷ق)، کتاب الخلاف، نشر قم.
طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۷ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بی‌چا، قم: قدس محمدی.
العاملی، محمدبن الحسن الحر (۱۹۵۲ق)، وسائل‌الشیعه، بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی.
عدل، مصطفی (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، به‌کوشش محمدرضا بندرچی، شماره۲۱.
عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید (۱۳۸۵)، «جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران»، مجله اقتصاد اسلامی، سال ششم.
عرفانی، محمود و محمدی، علیرضا (۱۳۹۷)، «بررسی فقهی و حقوقی اشتراک‌ها و تمایزهای بانکداری اسلامی در ایران و مالزی»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ٤۱.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۹)، «کارکرد اقتصادی دین اسلام» (مطالعه موردی: تولید)، فصلنامه قبسات.
فیض، علیرضا (۱۳۸۰)، مبادی فقه و اصول، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
قحف، منذر (۱۹۸۷)، الاجاره المنتهیه بالتملیک و صکوک الاعیان الموجره، ریاض: دارالثقافه.
قرطبی، ابن عبدالبر (١٤١٢)، الاستیعاب في معرفة الأصحاب، انتشارات دار الجیل، لبنان: بیروت، ج۲، ص۲۵۶.
کرمی، مهدی و پورمند، محمد (۱۳۹۸)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، چاپ۱۷، اردیبهشت.
گنجوی، اسما اشرف و نایب‌زاده شهناز (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال هفتم، شماره بیست و سوم.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، پیام امام امیرالمومنین (علیه‌السلام)، انتشارات امام علی (علیه‌السلام)، ج۳، ص ۵۰۴، چاپ پنجم.
مطهری، مرتضی، (۱۳۸۰)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، صدرا.
ملاکریمی خوزانی، فرشته (۱۳۹۰)، «بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه»، مجله تازه‌های اقتصاد، ش۱۳۲، ص۶۲-۶۵.
موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۶ق)، تحریرالوسیله، ج۲،جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
موسوی، خمینی، روح‌الله (١٣٦٨)، صحیفه امام، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی (قدس‌سره)، ج۱۲، ص ٤٢٧.
موسویان، سید عباس (۱۳۹۷)، «اشتراکات شیعه واهل سنت در زمینه سپرده‌های بانکی و اعطای تسهیلات، گزارش آخرین اخبار اقتصاد و بازار، مجله اقتصاد، اسفند.
موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴)، «بررسی فقهی ـ حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴.
موسویان، سیدعباس (۱۳۸۵)، «الگوی جدید بانکداری بدون ربا»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۳، ص ۱۳.
موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی ـ انتقادی بیع فضولی با رویکردی بر نظر امام خمینی(قدس‌سره)»، مجله متین، ش ۸، ص۱۴.
موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا (١٤٠٩ق)، مجمع المسائل، چ دوم، دارالقرآن الکریم.
مهدوی نجم‌آبادی، سیدحسین (١٣٧٤)، بانکداری اسلامی نمونه، مقاله ارائه شده در ششمین همایش بانکداری اسلامی ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
النجار، احمد عبدالعزیز (١٣٦٨)، صد سؤال و صد جواب دربارهٔ بانکداری اسلامی، مترجم عباس خان محمد، مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی، چاپ اول.
وبر، ماکس (١٣٧٤)، اخلاق و روح سرمایه‌داری، مترجم عبدالمعبود انصاری، انتشارات سمت.

The Holy Quran (In Arabic).
Abadizadeh. F (2016), *A Study of the Rental Status in Imami and Sunni Jurisprudence and the Subject Law of the International Conference on the Third Millennium and Humanities*. (In Persian)
Adl, M. (1995), *Civil Law, by Mohammad Reza Bandarchi*, Qazvin, No. 21. (In Persian).
Al-Ameli, M. el (1952), *Wasa'il al-Shi'ah*, Beirut: Darahiyah al-Tarath al-Arabi. (In Arabic).
Al-Najjar, A. (1989), *One Hundred Questions and One Hundred Answers About Islamic Banking*, Translated by Abbas Khan Mohammad, Central Bank Banking Training Center, First Edition. (In Persian).
Al-Qurtubi, I . (1992), "*Assimilation in the Knowledge of the Companions*," Dar Al-Jeel publications, Lebanon: Beirut, vol. 2, p. 254. (In Arabic).
Al-Zarqa, M. A. (2010), *the introduction to jurisprudence of science*, Beirut: Dar Al-Fikr publications, p. 70. (In Persian).
Arab, Mazar, A ., & Kiqbadi, S. (2006), "The position of Qarz al-Hasna in the Iranian banking system", *Journal of Islamic Economics*, sixth year. (In Persian).
Behjat, M. T. (2007), *New referendums*. Volume 3, Office of Ayatollah Behjat, p. 189. (In Persian).
Central Bank (1983), *Regulations of the Law on Interest-Free Banking Operations*, Chapter 3, Article 57. (In Arabic).
Central Bank (2004), *Bank Facilities Regulations*. (In Persian).
Central Bank (2011), *Executive Instruction Regulation*. (In Persian).
Comprehensive Sunni Technology Database (2010). (In Persian).
Ebrahimi,. M .(2019), *Collection of articles and discourses of Islamic economics and banking*, number one.(In Arabic).
Erfani, M., &Mohammadi, A. (2019), "Jurisprudential and Legal Study of Islamic Banking Commons and Distinctions in Iran and Malaysia", *Iranian and International Journal of Comparative Legal Research*, Eleventh Year, No. 41. (In Persian).
Farahanifard, S. (2010), "*Economic Function of Islam*" (Case Study: Production), Ghabsat Quarterly. (In Persian).
Feyz, A. (2001), *Principles of Jurisprudence and Principles*, Tehran: Tehran University Publishing Institute. (In Persian).
Ganjavi, A., & Nayebzadeh, S.(2014), "Study of the Relationship between Religious Beliefs and Islamic Financial Literacy in Postgraduate Students", *Quarterly Journal of Securities Analysis*, Volume 7, No 23. (In Persian).
Helli, H. (Allamah) (1421 BC), *Editing of Sharia rulings on the Imamiyya school of thought*, Qom: Ibrahim Bahadry edition. (In Arabic).
Javaheri, M. R. (2011), "*Islamic Profit and Banking*", Safir Magazine, fifth year, twentieth issue. (In Persian).
Karami, M., & Pourmand, M. (2010), *Jurisprudential Principles of Islamic Economics*, Samat Publications, 17th edition, May. (In Persian).
Khan, M. (1992), *Theoretical Principles and Monetary Policy in the Islamic Framework*, taken from: Lessons from Islamic Economics, Bank Publications and Islamic Development. (In Persian).
Kharazi, M. (2005), "Research on the types of bank and its rules", *Ahl al-Bayt jurisprudence*, No. 43, pp. 53.3) .(In Persian).
Khoshaind, M.H. (2017) *Jurisprudential analysis and review of the lease contract on the condition of ownership of the two quarterly journals of the Research Institute of Jurisprudence and Systematization of Justice*, No. 2.(In Persian).
Mahdavi Najmabadi, H.(1995), *Model Islamic Banking*, Paper presented at the Sixth Conference on Islamic Banking of Iran, Tehran: Higher Institute of Banking of Iran. (In Persian).
Makarem Shirazi, N.(2006), *Message of Imam Amir al-Momenin*, Imam Ali Publications, vol. 3, p. 504, fifth edition. (In Persian).
Mehr News Agency (2010), (In Persian).
Molla Karimi Khozani, F. (2011), "Jurisprudential study of receiving fees and providing facilities to deposit companies in Gharz al-Hasna funds", *Journal of New Economics*, Vol. 132, pp. 62-65. (In Persian).
Motahari, M.(2001), *A Theory of the Islamic Economic System*, Sadra. (In Persian).

Mousavi Bojnourdi, M. (2015), "Analytical-Critical Study of Curiosity Sale with an Approach to Imam Khomeini", *Matin Magazine*, No. 8, p. 14. (In Persian).
Mousavi Golpayegani, M. R. (1989), *Majma 'al-Masa'il*, vol. II, Qom: Dar al-Quran al-Karim. (In Persian).
Mousavi Khomeini, R. (1989), *Sahifa Imam, Imam Khomeini Publishing House*, Vol. 12, p. 427. (In Persian).
Mousavi Khomeini,R. (1986), *Tahrir al-Wasileh*, vol. 2, Qom: Qom Seminary Teachers Association. (In Persian).
Mousavian, A. (2005), "Jurisprudential-legal review of laws related to fines and damages for late payment in Iran", *Jurisprudence and Law Quarterly*, No. 4. (In Persian).
Mousavian, A. (2006), "The new model of interest-free banking", *Islamic Economics Quarterly*, vol. 23, p. 13. (In Persian).
Mousavian, A. (2019), "Shiite and Sunni commonalities in the field of bank deposits and granting facilities", *the latest economics and market news report in the Journal of Economics*, March. (In Persian).
Najafi, M. H. (1886), *Jawahir al-Kalam in Explanation of the Laws of Islam*, Qom: Publications of the University of Teachers, vol. 23, p. 334. (In Arabic).
Peyghami, A.(2010), *Discussions on the Boundaries of Islamic Economics Knowledge*, First Edition, Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian).
Pirhiati, M.R., & Haidar, A. (2015), "Study of the Marijah contract in jurisprudential and legal texts and the banking system", *Quarterly Journal of Private Justice Law*. Second year, fourth issue. (In Persian).
Pourfaraj, A et al. (2014), "Religion and Social Behavior" *Economic Researches*, No 22. (In Persian).
Qahf, M. (1987), *Leasing ending with ownership and the sukuk of notable notables*, Riyadh: Dar Al Thaqafa. (In Arabic).
Rasa Information Database (2004), (In Persian).
Rezaei, M. (2002), "Jurisprudential-legal study of delay fines", *Journal of Islamic Economics*, second year, No. 6.(In Persian).
Sadr, M. B.(1980), *Islamic Bank*, translated by HA Khanji Al-Fatah Publications.(In Persian).
Safi Golpayegani, L. (1996), *Treatise on the Explanation of Matters*, Qom Publishing, Vol. 2, p. 302, 60th edition.(In Persian).
Sami. M. (1411 BC), *Banking Business Photographs*, Al-Turath Library, Cairo: Third Edition. (In Persian).
Shabra, M. (2022), "The Monetary and Banking System in the Islamic Economy", *Journal of Islamic Economic Research*, No. 2, Volume One.(In Persian).
Shawkani, M. (1887), Layl Al-Awtar, Explanation of Muntafi's News and Talks of Sayyid Al-Akhyar, Layl Al-Awtar, *Dar Al-Fikr Publications, Beirut*, vol. 5, p. 172. (In Arabic).
Siddiq, N.(1982), *interest-free banking*, translated by Akbar Mahdavipour, first edition, Soroush Publications .(In Persian).
Tabarsi, F. (1994), *Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, third edition, Tehran: Nasser Khosrow Publications.(In Persian).
Tabrizi, J. (2006), *New Referendums*. Third Edition, Qom: Server Publishing, p. 281. (In Persian).
Taskhiri, Muhammad .Ali .(1387), *The International Council for the Proximity of Islamic Cultural Sects*, p. 64. (In Arabic).
Tirmidhi, A. (1887), *Al-Tijarat*, Cairo: Dar Al-Hadith publications, 335. (In Arabic).
Toghyani, M ., & Sadeghpour, F. (2016), "Jurisprudential study of Qarz al-Hasna facilities fee" *Quarterly Journal of Islamic Economics and Banking*, No. 15.(In Persian).
Tusi, M. (1992), *Tahdhib al-Ahkam*, Beirut: Published by Mohammad Javad Faqih and Yusuf Baqa'i. (In Arabic).
Tusi, M. (1996), *Book of al-Khalaf*, Qom Publishing. (In Arabic).
Tusi, M. (1996), *The End in the Single of Jurisprudence and Fatwas, Bija*, Qom: Quds Mohammadi. (In Arabic).
Tusi, M. . (1996), *Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiya*, Volume 2, Second Edition, Tehran Publications: Al- Mortazaviyeh Library. (In Arabic).
Weber, M.(1995), *The Ethics and Spirit of Capitalism*, translated by Abdolmaboud Ansari, Tehran: Samat. (In Persian).